یادداشت

مبارزه با استعمار و پایان سلطه غرب

الکسی ددوف
سفیرروسیه در ایران

عصر استعمار کشورها به صورت قانونی با تصویب اعلامیه اعطای استقلال به مردم کشورهای استعمار شده در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ پایان یافته، اما این عصر در واقعیت و به صورت عملی پایان نپذیرفته و ناتمام مانده است. طبق داده‌های سازمان ملل متحد، هنوز ۱۷ قلمرو در جهان از حاکمیت ملی محروم بوده یا مستقیماً به حکومت‌هایی که تحت‌الحمایه آنها هستند وابسته‌اند. در آفریقا می‌توان صحرای غربی را مثال زد که ظاهراً در سال ۱۹۶۳ توسط اسپانیا «رها شد» اما به استقلال واقعی نرسید. در اقیانوس اطلس نیز جزایر آنگویلا، برمودا، جزایر ویرجین بریتانیا، جزایر کیمن، جزایر مالویناس (فالکلند)، مونتسرات و جزایر سنت هلنا، تورکس و کایکوس تحت کنترل بریتانیا و جزایر ویرجین تحت کنترل ایالات‌متحده امریکا هستند. در اروپا، جبل‌الطارق تابع بریتانیاست. در منطقه آسیا و اقیانوسیه، ایالات‌متحده کنترل گوام و ساموآی امریکا را در دست دارد و بریتانیا کنترل خود بر پیت‌کرن را حفظ می‌کند. به علاوه پلی‌نزی فرانسه و کالدونیای جدید توسط فرانسه و توکلائو توسط نیوزلند اشغال شده است.

حتی پس از آزادسازی اجباری کشورهایی که تحت‌الحمایه قدرت‌های شناخته شده جهان بودند، این قدرت‌های سلطه‌گر عملاً استثمار کشورهای مورد اشاره را با استفاده از ابزارهای قهرآمیز مختلف ادامه می‌دهند. این ابزارها به اجمال عبارتند از:

فشار مالی و اقتصادی؛ از جمله اجبار برای افزایش وابستگی به بدهی، محدودیت توسعه از طریق رقابت ناعادلانه و اقدامات حمایتی غیر بازاری؛

مداخله در امور داخلی؛ از جمله در فرایندهای انتخاباتی برای تشکیل نخبگان کنترل شده در دولت‌های وابسته و همچنین ایجاد نظام‌های مدیریت شده «نظارت و توازن» برای کنترل دستور کار سیاست داخلی از طریق تأثیرگذاری بر محافل حاکم و مخالفان، آزار و اذیت افراد نامطلوب و سیاه‌نمایی نیروهای ملی‌محور؛

تحمیل اجباری نگرش‌های اجتماعی مخرب تحت پوشش مبارزه برای عدالت اجتماعی؛ از جمله «حفاظت» از انواع اقلیت‌ها، دستور کار مخرب محیط‌زیستی، اشکال سیاسی شده دفاع از «حقوق سیاسی و مدنی» که غرب را به‌عنوان یک الگوی نمادین معرفی می‌کند و تحریک به مهاجرت فعال‌ترین و تحصیلکرده‌ترین بخش جوامع بومی به کشورهای غربی؛

ترویج تهاجمی نگرش‌های نئولیبرالی، ایده‌هایی با هدف انحراف جامعه، ایجاد خطوط تقسیم‌کننده داخلی مصنوعی؛ از جمله تلاش برای افزایش بی‌ثباتی اجتماعی به نفع کنترل خارجی بر اوضاع سیاسی داخلی و ایجاد بازارهای جدید برای ارائه «خدمات» مربوطه و گسترش مصرف آنها؛

و وادار نمودن دولت‌های وابسته به انتخاب کاذب بین رژیم نظام‌های «دموکراتیک» و «اقتدارگرا» به منظور مشروعیت بخشیدن به مقاصد تهاجمی خود در رابطه با دولت‌های ملی‌محور. به طور مثال بمباران غیرقانونی یوگسلاوی، عراق و لیبی، «انقلاب‌های رنگی» در فضای پسا شوروی، راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی از طریق دولت‌های تحت کنترل، گرد هم آوردن «ائتلاف‌های تحریمی» برای اعمال فشار بر کشورهای هدف به منظور تبدیل کردن شهروندان به «اهداف هدفمند تأثیرگذاری» علیه دولت‌های خودشان.

بنابراین در طول قرون گذشته، توسعه جهانی بر پایه نظام استثمار و استعمار خشونت‌آمیز مستقیم و غیرمستقیم (استعمار نو) کشورهای غربی عمدتاً شامل بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، هلند، ایتالیا، آلمان و ایالات‌متحده امریکا و غصب ظرفیت کشورها و مردم اکثریت جهان به منظور حفظ سطح بالای رفاه، سلطه نظامی و اقتصادی خود بنا شده است.

امروزه شرایط منحصربه‌فردی پدید آمده است که پایان دادن به استثمار بین‌المللی را ممکن می‌سازد. اعتماد مردم آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به غرب در حال کاهش است. کشورهای بیشتری در جهان از برآوردن خواسته‌های غربی‌ها که منافع اساسی ملی این کشورها را برآورده نمی‌کند، دست برمی‌دارند. اقتدار غرب به دلیل تداوم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، مداخلات نظامی، استفاده از تحریم‌ها و سایر اقدامات نامشروع برای به دست آوردن مزیت‌های یک‌جانبه، در حال نابودی است. در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین، اعتماد فزاینده‌ای به آگاهی از فرصت‌های خود برای توسعه موفقیت‌آمیز، از جمله در چهارچوب بریکس، سازمان همکاری شانگهای، آسه‌آن و همچنین قالب‌هایی مانند ائتلاف «گروه دوستان مدافع منشور سازمان ملل» که در سال ۲۰۲۱ به ابتکار ونزوئلا ایجاد شد در حال شکل‌گیری است.

اهمیت این موضوع را که غرب به دلیل تضادهای داخلی در حال ضعیف شدن است، نباید دست‌کم گرفت. بحران اقتصادی در امریکا و اروپا در حال قوت گرفتن است. ابزارهای سابق برای تحریک رشد اقتصادی در این کشورها کارایی خود را از دست می‌دهند و رقابت در بازارهای خارجی در حال افزایش است. این موضوع باعث تشدید کشمکش داخلی در منطقه یورو آتلانتیک می‌شود که در چالش‌های رو به رشد ایالات‌متحده امریکا نسبت به دست‌نشانده‌های خود از جمله اتحادیه اروپا آشکار می‌شود.

فدراسیون روسیه با مظاهر استعمار مخالف است. این موضع در نسخه جدید دکترین سیاست خارجی فدراسیون روسیه، مصوب رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در ۳۱ مارس ۲۰۲۳ منعکس شده است. هدف اصلی این دکترین، ترویج ضرورت تشکیل و تقویت نظم جهانی چندقطبی است که از جمله اصول اصلی آن برابری حاکمیتی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی آنها، تضمین حق انتخاب مستقل الگوی توسعه و حفظ تنوع فرهنگی و تمدنی در جهان است.

روسیه و ایران موضع مشترکی در مبارزه با استعمار دارند که اطمینان داریم این امر به لطف تلاش‌های مشترکمان، حذف عناصر سلطه جهانی ایالات‌متحده امریکا و نفوذ کشورهای غیردوست در عرصه بین‌المللی، امکان‌پذیر خواهد بود.

قضات دیوان عالی رژیم صهیونیستی قرار است به شکایت‌ها از اصلاحات قضایی رسیدگی کنند

بحران بدون پایان در تل آویو

AP

غرب آسیا

حسین فاطمی
خبرنگار

طرح اصلاحات قضایی در رژیم صهیونیستی و اصرار و پافشاری بنیامین نتانیاهو و ائتلاف حاکم بر این کودتای قضایی، عملاً مانند یک استخوان لای زخم به بحران‌های فعلی در سرزمین‌های اشغالی دامن می‌زند. از یک‌سو شهرک‌نشینان معترض این روزها مجدداً به خیابان‌ها ریخته‌اند و در سوی دیگر آتش اختلافات سیاسی داخلی میان مقامات صهیونیست در حال شعله‌ورتر شدن است. در چنین شرایطی دادگاه عالی رژیم صهیونیستی قرار است امروز سه‌شنبه به شکایت‌های معترضان و مخالفان علیه قانون موسوم به «لغو برهان معقولیت» در چهارچوب لایحه تغییرات قضایی رسیدگی کند.

به گزارش ایرنا، این جلسه قرار است با مشارکت کامل ۱۵ قاضی دیوان عالی و به ریاست خانم استر حایوت، رئیس دادگاه عالی رژیم صهیونیستی برگزار شود. منابع مطلع در این باره اعلام کردند، بررسی این موضوع قرار است از ساعت ۹ صبح امروز (سه‌شنبه) آغاز شود و تا پاسی از شب ادامه داشته باشد.

این منابع می‌گویند که در همین راستا موافقان و مخالفان کودتای قضایی امروز سه‌شنبه به خیابان‌ها خواهند آمد و خارج از ساختمان دادگاه عالی قضایی این رژیم تظاهرات خواهند کرد. این در حالی است که به گفته مقامات، تا شب گذشته بنا بود، مأموران امنیتی و پلیس از ساعات اولیه صبح امروز تمام راه‌های منتهی به دادگاه عالی در قدس را ببندند. در عین حال برخی منابع در دادگاه عالی رژیم صهیونیستی خاطرنشان کرده‌اند که در نشست سرنوشت‌ساز امروز لایحه‌هایی که از سوی جنبش‌ها و مؤسسات جامعه مدنی علیه قانون «لغو برهان معقولیت» مطرح شده است، بررسی خواهد شد. براساس این گزارش، جنبش‌های موسوم به «جنبش کیفیت حکمرانی»، «کانون وکلای صهیونیست» و جنبش «برای دولت سالم و عدالت اجتماعی» در این خصوص لایحه تقدیم کردند. این منابع قضایی می‌گویند که «ایلان بومباخ»، وکیل و نماینده وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی به این لایحه‌ها پاسخ منفی خواهد داد و آنها را رد می‌کند.

در سوی دیگر برخی منابع می‌گویند که گالی بیهاریف میارا، مشاور حقوقی کابینه نتانیاهو در این مرحله به لایحه‌ها پاسخ خواهد داد. یک منبع نزدیک به بیهاریف میارا خبر داده، انتظار می‌رود این بار لایحه‌ها پذیرفته شوند. وی می‌گوید که همه حاضرین در جلسه به مواضع قضات دیوان عالی رژیم صهیونیستی گوش خواهند داد و حکم فوراً نوشته خواهد شد. در این گزارش آمده است، صدور حکم در این خصوص ممکن است منجر به اختلافات زیادی شده و رژیم صهیونیستی را وارد یک بحران قانونی بی‌سابقه کند. همچنین برخی منابع اعلام کردند، وزرای کابینه نتانیاهو در خصوص تصمیمات دادگاه عالی اختلاف نظر دارند.

کابینه حاکم بر رژیم صهیونیستی دوم مردادماه با حمایت نمایندگان خود در کنست (پارلمان)، پیش‌نویس قانون «لغو برهان معقولیت» در چهارچوب لایحه تغییرات قضایی را تصویب کرد و بر تصویب سایر مفاد این لایحه نیز اصرار می‌ورزد. کابینه نتانیاهو با تصویب قانون «لغو برهان معقولیت» به دنبال آن بود که جلوی نظر دیوان عالی رژیم صهیونیستی را درباره مصوبات و انتصابات خود بگیرد و در نهایت این قانون را در کنست به تصویب رساند. این قانون جلوی دیوان عالی این رژیم برای لغو تصمیمات یا انتصابات کابینه را که آن را «فاقد معقولیت» می‌داند، خواهد گرفت. تصویب این لایحه اولین گام در مسیر کاهش اختیارات دستگاه قضایی رژیم صهیونیستی است. با توجه به تصویب این لایحه، دیگر دستگاه قضایی رژیم صهیونیستی حق ندارد تصمیمات کابینه این رژیم و وزرای آن را به بهانه معقول نبودن لغو کند.

کار به تهدید قضات کشیده شد

در حالی که تنها ساعاتی به تعیین تکلیف قانون «لغو برهان معقولیت» از سوی دادگاه عالی رژیم صهیونیستی باقی مانده است، نگرانی‌ها از احتمال جنگ داخلی، در صورت تبعیت نکردن کابینه حاکم از حکم دیوان عالی سرزمین‌های اشغالی پررنگ‌تر می‌شود. به تبع این نگرانی‌ها سران دستگاه‌های امنیتی و ارتش رژیم صهیونیستی در حال بررسی راه‌های برون‌رفت از این بحران، برای جلوگیری از فروپاشی کامل رژیم هستند.

این نگرانی از آن جهت حائز اهمیت است که طی روزهای اخیر اعضای کابینه نتانیاهو قضات دادگاه عالی رژیم صهیونیستی را تهدید کردند، در صورتی که قصد لغو قانون مصوب آنها در کاهش اختیارات دادگاه را داشته باشند، سرزمین‌های اشغالی را به سوی هرج و مرج پیش می‌برند. تسنیم به نقل از پایگاه اینترنت وای نت خبر داد که نتانیاهو، وزیر دادگستری‌اش و تمامی اعضای کابینه فعلی مخالفت خود را با رد تعدیل انجام گرفته بر قانون اساسی اعلام کردند. به نوشته این رسانه عبری‌زبان وابسته به روزنامه یدیعوت آحارانوت که روز جمعه هفته گذشته گزارشی به قلم گلعاد موراژ داشت این را هم عنوان کرد که اعضای کابینه نتانیاهو مدعی هستند قوه قضائیه صلاحیت انجام چنین کاری را ندارد.

> در حالی که تنها ساعاتی به تعیین تکلیف قانون «لغو برهان معقولیت» از سوی دادگاه عالی رژیم صهیونیستی باقی مانده است، نگرانی‌ها از احتمال جنگ داخلی، در صورت تبعیت نکردن کابینه حاکم از حکم دیوان عالی سرزمین‌های اشغالی پررنگ‌تر می‌شود. به تبع این نگرانی‌ها سران دستگاه‌های امنیتی و ارتش رژیم صهیونیستی در حال بررسی راه‌های برون‌رفت از این بحران، برای جلوگیری از فروپاشی کامل رژیم هستند

در بخش دیگری از گزارش وای نت آمده است، صبح روز جمعه یعنی ۴ روز پیش از نشست جلسه تاریخی استماع دادگاه عالی رژیم صهیونیستی، کابینه نتانیاهو مخالفت و تهدید خود را با لغو تعدیل‌های صورت گرفته بر قانون اساسی ابراز داشته و تأکید کرده، دادگاه عالی اختیاری در رابطه با اینکه خود را فراتر از حاکمیت قرار دهد، نداشته و هیچ کس نمی‌تواند فراتر از قانون اساسی باشد.

یکی از وکلای مدافع کابینه در این رابطه تهدید کرد، در صورتی که دادگاه عالی رأی به ابطال دهد، در واقع تمام ساختار حقوقی را زیر پا می‌گذارد و بر اثر آن پیش‌بینی می‌شود که شاهد وقوع هرج و مرج باشیم. این در حالی است که رهبران ترتیب‌دهنده تظاهرات در تقاطع کاپالان در تل‌آویو و بقیه نقاط فلسطین اشغالی که علیه کودتای قضایی فعالیت می‌کنند در واکنش به این اظهارات اعلام کردند، این تهدیدها نشأت گرفته از خوی مافیایی است که به شکل رسمی و علنی در اسرائیل مطرح می‌شود. البته برخی رسانه‌های عبری‌زبان از اختلافات در درون ائتلاف حاکم هم خبر داده‌اند. چون برخی از وزرای کابینه بنیامین نتانیاهو گفته‌اند که به تصمیمات شورای عالی این رژیم احترام خواهند گذاشت و برخی دیگر تأکید کرده‌اند که برای تصمیمات این دادگاه اهمیتی قائل نیستند.

معترضان همچنان در کف خیابان

به موازات خط و نشان کشیدن‌های بی‌بی و دیگر اعضای کابینه‌اش برای قضات دادگاه عالی رژیم صهیونیستی، شهرک‌نشینان همچنان اعتراض گسترده خود به این کودتای قضایی را در قالب تظاهراتی گسترده که دائماً در حال گسترش است، به نمایش گذاشته‌اند. پیش‌بینی می‌شود طی ساعات پیش رو جمعیت معترضان هم افزایش چشمگیری پیدا کند.

تا اینجای کار، سازمان دهندگان اعتراضات علیه لایحه اصلاحات قضایی در آستانه جلسه سرنوشت‌ساز امروز (سه‌شنبه) و با وجود تهدیدها از دادگاه عالی حمایت کرده‌اند. البته سازمان‌دهندگان اعتراضات صرفاً به حمایت لفظی بسنده نکرده و در حمایت عملی خود از قضات دادگاه عالی رژیم صهیونیستی، دیروز دوشنبه در برابر ساختمان این دادگاه در شهر اشغالی قدس تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند.

در کنار آن، منابع خبری عبری صبح دیروز (دوشنبه) از تجمع ده‌ها شهرک‌نشین معترض به لایحه جنجالی «اصلاحات قضایی» کابینه رژیم صهیونیستی در مقابل خانه یاریو لوین، وزیر دادگستری این رژیم هم خبر دادند. طبق این گزارش، معترضان خواستار لغو روند تصویب لایحه جنجالی «اصلاحات قضایی» هستند. به گزارش یدیعوت آحارانوت، نیروهای پلیس تلاش کردند معترضان را متفرق کنند که بنا بر اخبار برخی رسانه‌های عبری نیز این مسأله باعث درگیری میان معترضان و نیروهای پلیس رژیم صهیونیستی در مقابل خانه یاریو لوین شد. همچنین معترضان به لایحه تغییرات قضایی شنبه‌شب در سی و ششمین هفته از اعتراضات خود در شهرهای مختلف سرزمین‌های اشغالی به خیابان‌ها آمدند و علیه آن شعار دادند. شهرک‌نشینان معترض تأکید کردند که کابینه نتانیاهو «خطرناک و غیرقانونی است.»

رصد اخبار و تحولات در سرزمین‌های اشغالی مؤید آن است که هر دو طرف این منازعه یعنی مخالفان و موافقان کودتای قضایی بی‌بی امروز سه‌شنبه شمشیرها را برای همدیگر از رو بسته‌اند و هر کدام نیز تا رسیدن به اهداف خود کوتاه نمی‌آیند، لذا چنین به نظر می‌رسد که اکنون ساختار سیاسی و اجتماعی در رژیم صهیونیستی دچار یک دور باطل از بحران‌ها خواهد شد. بدین معنا که اگر دادگاه عالی رژیم صهیونیستی امروز رأی به ابطال بند برهان معقولیت بدهد، یقیناً، هم احتمال دارد که نتانیاهو و کابینه او به این رأی تمکین نکنند و هم امکان دارد با استفاده از ظرفیت پارلمانی و کنست، دوباره دیگر بندهای کودتای قضایی را پیش ببرند. اگر هم دادگاه عالی رژیم صهیونیستی رأی به ابطال بند جنجالی ندهد، به باور ناظران جریان اپوزیسیون و همچنین شهرک‌نشینان معترض کماکان به شکل‌های مختلف مخالفت‌های خود را نشان خواهند داد و به این واسطه‌ها روزها، هفته‌ها و ماه‌های پیش رو را باید دوران فوران بحران در سرزمین‌های اشغالی تلقی کرد تا جایی که امکان وقوع هر سناریویی وجود دارد.

فوران نابرابری اقتصادی و دیکتاتوری سیاسی در غرب

رؤیای دموکراسی غربی را دور بریزید

تحلیل روز

جوزف ای استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد و استاد دانشگاه کلمبیای امریکا
مترجم: وصال روحانی

Reuters

در چند سال اخیر درباره پسرفت دموکراسی و افزایش نظام‌های دیکتاتوری در سطح جهان بسیار شنیده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد، در نقاط مختلفی از دنیا، سیاستمدارانی به قدرت رسیده‌اند که اتوکرات بودن، کسب و کار آنها است و سوار بر امواج خطرناک پوپولیسم به حرکت درمی‌آیند. ژائیر بولسونارو که پیش از بازگشت لولا داسیلوا به اریکه قدرت رئیس جمهور برزیل بود، نمونه روشن این روند است و پیش از او نیز دونالد ترامپ پیشاهنگ پوپولیست‌ها در یک معرکه‌گیری واقعی از حرکات افراطی، چهار سال در کاخ سفید رحل اقامت افکنده بود.

اینها آدم‌های خطرناکی هستند. در ظاهر حرف از مردمی بودن می‌زنند اما در عمل از قدرت و نفس مردم برای تقویت جایگاه سودجویانه خویش بهره می‌گیرند. آنها در عمل هوای پولداران و قدرتمندان را دارند و ثروت آنها را بیشتر می‌سازند و فقط در حرف حامی مردم عادی هستند و به محض اینکه هویت واقعی‌شان رو می‌شود، با شلوغ کردن جامعه و سرکوب اقلیت‌ها و نسبت دادن انواع اتهامات به رنگین‌پوستان، پُز سیاستمدارانی را می‌گیرند که می‌خواهند جامعه را از وجود هر فرد دردسرسازی رهایی بخشند. اوضاع وقتی وخیم‌تر می‌شود که در نظر بگیریم عملکرد جو بایدن، رئیس جمهور فعلی امریکا و نارندرا مودی نخست‌وزیر کنونی هند چندان منزه‌تر از نامبردگان نیست.

هر دلار، یک رأی

واقعیت امر این است که هر مسأله و نقصان اجتماعی ابتدا از نابرابری‌های اقتصادی برمی‌خیزد. اجحاف اقتصادی معمولاً به ظلم سیاسی منجر می‌شود و این پدیده به اکثر کشورها بسط می‌یابد و تفاوت فقط در شدت و ضعف آنها است. در امریکا که معمولاً کنترل دقیقی روی روند انتخابات سیاسی صورت نمی‌پذیرد، واژگان «هر فرد، یک رأی» به «هر دلار، یک رأی» تبدیل شده است و شما براحتی می‌توانید بسیاری از آرا را بخرید. در نهایت، فوران نابرابری اقتصادی و انباشت مشکلات معیشتی تاب‌آوری مردم را به حداقل می‌رساند و طبقه فرودست بیش از هر قشری از درون می‌شکند. حتی قواعد پرداخت مالیات بیشتر به سود پولداران است و بورسیه‌های تحصیلی به جای طبقه آرزومند و تهیدست به فرزندان خاندان‌های متمول و بی‌خیال اهدا می‌شود. کمپانی‌های بزرگ تولیدی در چنین فضایی به رشدی افراطی می‌رسند و تا حد انفجار حجیم می‌شوند و قبضه بازارهای آزاد توسط آنها کمر شرکت‌های کوچکی را می‌شکند که نه توان تولید انبوه را دارند و نه کالاهای ارائه شده‌شان از کیفیت بالایی برخوردار است. رسانه‌ها هم به جای اینکه منادی آرمان فقرا باشند، به رسانه‌های ایادی قدرت اقتصادی در غرب تبدیل شده‌اند و با مطالب کذب‌شان تخلفات عظیم آنها را پوشش می‌دهند.

فراموش شدن اصل حکومت مردمی

این حکایتی قدیمی است که پروسه‌های سیاسی در گذر زمان اگرچه تغییر شکل می‌دهند اما در ماهیت همان فرایند قبلی هستند. وقتی بعد از اتمام جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای زخم‌خورده اروپا از نو برای خود سیستم‌های سیاسی را تعریف و اجرایی کردند، این قاره در درازمدت فقط به نقطه جنگ سرد رسید. جنگی که یک سوی آن کشورهای بلوک شرق به سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی بودند و جانب دیگر آن ملل بلوک غرب که امریکا به آنها خط فکری و کمک اقتصادی می‌داد تا غول کمونیسم که مسکو را تسخیر کرده بود، کشورهای غرب اروپا را هم نبلعد. در این میان دموکراسی به معنای واقعی کلمه نابود شد و هر یک از دو سوی منازعه فوق بر سر منافعی جنگیدند که هیچ سنخیتی با عدالت نداشت و برای توجیه ظلم‌های موجود، از واژه مصلح سود می‌جستند. بدترین خصلت دوقطبی بودن جهان که تا پیش از اوج‌گیری چین (در اواخر دهه ۱۹۹۰) برقرار بود و امریکا و روسیه را در یک تعارض آشکار و عظیم قرار داده بود، فراموش شدن اصل حکومت مردمی و عمده شدن پیروزی اقتصادی و رجحان عقیدتی به هر قیمت و وسیله‌ای بود. دولت‌های بزرگ غربی و همچنین روسیه و همراهانش در نیم قرن اخیر هرگز در مداری حرکت نکرده‌اند که انصاف مایه وجودی نخست آن باشد و برعکس لزوم اثبات فساد در اردوگاه مقابل باعث شده غول‌های جنگ سرد از کشف و سرکوب انواع ارتشاها در اردوگاه خودشان غافل بمانند.

حمایت ریاکارانه از «کی‌یف»

امروز اینکه امریکا در جریان ستیز ۱۹ ماهه روسیه و اوکراین مکرراً سنگ حکومت کی‌یف را به سینه می‌زند، نه با نیت انساندوستی و عدالت‌پروری بلکه اقدامی ریاکارانه با هدف بمباران تبلیغاتی و وارد کردن اتهامات اخلاقی به کرملین است؛ به گونه‌ای که اعتقاد سایر کشورهای شرق اروپا به دولت مسکو به حداقل برسد و این بیم در دل شان جای گیرد که اگر ارتش روسیه حاضر است کشور همسایه‌اش و یکی از ۱۵ ایالتی را که تا پیش از فروپاشی سال ۱۹۹۱ اتحاد جماهیر شوروی جزئی از این اتحادیه و شریک نزدیک سران سیاسی مسکو بود، این طور هدف قرار بدهد، پس می‌تواند با شرکای درجه دوم و سوم خویش در پهنه اروپای شرقی بسیار بدتر از این برخورد کند.

فرایندهایی از این دست سبب شده سه ماه و اندی مانده تا شروع سال ۲۰۲۴ شاهد دموکراسی واقعی در اردوگاه‌های غرب و شرق نباشیم و بهانه نخ‌نما شده «لزوم رسوا کردن دشمن هر عملکرد سوء و شریرانه‌ای را توجیه می‌کند»، به تبصره نخست در مانیفست حکومتی و آیین رفتاری هر دو بلوک تبدیل شود. مردمی هم که در هیچ یک از این دو بلوک جای ندارند و آزاده‌اند و انسانی می‌اندیشند، در برزخ برخورد دو آیین ریاکارانه فوق از کمترین منافع برخوردار می‌شوند. این چنین است که دیکتاتوری‌های سیاسی و به قدرت رسیدن دولت‌های نظامی به بهانه ناتوان بودن دولت‌های آزاد و ضعف آنها در برخورد با تروریسم رایج در جهان دائماً فزونی می‌گیرد و مردم در هر دو سوی هرم قدرت کمتر می‌توانند مقابل نظام‌هایی بایستند که چون امنیت حداقل را به آنها ارزانی می‌دارند، متوقع‌اند که مردم هیچ نگویند. مردمی که مجبورند به اجحاف‌های اقتصادی رایج و پولدارتر شدن پولدارها و فقیرتر شدن فقرا هیچ اعتراضی نکنند و نعمت زندگی کردن با حداقل‌ها را هم پاس دارند.

سفره‌های کوچک شده مردم

مدت‌ها است که خبری از بهبودهای ریشه‌ای و واقعی اقتصادی در سطح جهان نیست و دولت‌های مخرب در غرب کیسه‌های گشادی را که برای خود دوخته‌اند هر روز انباشته‌تر و سفره مردم معمولی محتاج رفاه حداقلی را کوچک و کوچک‌تر می‌کنند. تا چنین روند نامنصفانه‌ای بر جهان غرب سنگینی می‌کند، حتی تصور صرف و رؤیای اولیه یک زندگی مبتنی بر دموکراسی و امکانات اندک رفاهی را دور بریزید و هر چه بیشتر و زودتر واقع‌بین شوید.

منبع: Project Syndicate